



هفت کارگر در گنداب فاضلاب جان سپردند

دبروز سخنگوی سازمان آتش نشانی از مفقود شدن دو کارگر هنگام لایه‌روبی کانال‌های فاضلاب خیر داد و گفت: این کارگران هنوز پیدا نشده‌اند و عملیات جست‌وجو همچنان ادامه دارد.

سیدجلال ملکی درباره جزئیات این حادثه به «ایلنا» گفت:در خیابان پیروزی بعد از تقاطع امام علی(ع) کارگران پیمانکار شهرداری مشغول لایه‌روبی یکی از کانال‌های فاضلاب با عمق ۲الی۳ متر بودند که دچار حادثه شده و دو نفر از کارگران ناپدید می‌شوند.

اودامه داد:بلافاصله نیروهای آتش نشانی اعزام شده به محل در بررسی اولیه متوجه می‌شوند گویا یک لفظه آبی پاشد وارد کانال شده و دو کارگر را بخود برده‌است.

او افزود: آتش‌نشانیان به همراه عوامل شهرداری و کارگران محل را جست‌وجو کردند، اما متأسفانه هیچ اثری از این کارگران نبود. عملیات جست‌وجو همچنان ادامه دارد. باتوجه به اینکه جسدی پیدا نشده و شدت و فشار آب در کانال‌ها هم به دلیل عدم بازندگی زیاد نیست به احتمال زیاد این دو نفر از درجه دیگری خارج شده‌اند. نیروهای آتش‌نشانی و کارگران و عوامل شهرداری در حال جست‌وجو هستند و امیدواریم هر چه زودتر به نتیجه برسند.

یک روز پیشتر هم ۵ کارگر شرکت بازیافت و تولید مواد اولیه پلاستیک در اصفهان، بر اثر سقوط در گندابار چاه فاضلاب جان باختند.

محمد شریعتی، مدیر روابط عمومی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری اصفهان، با اعلام این خبر گفته: ساعت ۱۳، ۱۰ سقوط به داخل چاه فاضلاب به سامانه ۱۲۵ اعلام شد که بی‌درنگ نیروهای آتش‌نشانی شهرک صنعتی و تیم‌های نجات ایستگاه ۵۱۵، ۴ و به همراه تجهیزات تخصصی مربوطه و خودروی نجات و خودروی تخصصی مربوط به دستگاه تنفسی به محل حادثه در شهرک صنعتی‌چی، اعزام شدند.

او بیان اینکه محل حادثه یک شرکت بازیافت و تولید مواد اولیه پلاستیکی به وسعت حدود ۵ هزار متر بود، گفت: به گفته افراد حاضر در محل کارگران در حال تخلیه ستیک اصلی چاه فاضلاب بودند که به‌من آن دچار گرفتگی می‌شود.

به گفته او پس از اینکه یکی از کارگران برای رفع عیب پمپ و در حین پایین رفتن از چاه دچار گازگرفتگی شده و درون چاه سقوط می‌کند، افراد دیگر بدون علم و تجهیزات کافی یکی پس

از دیگری وارد چاه شده و پس از اولین تنفس دچار حادثه و سقوط به انتهای چاه می‌شوند.

او بیان اینکه چهار تن از کارگران تبعه افغانستان و یک نفر دیگر ایرانی بوده‌اند، افزود: آتش‌نشانیان در لحظه اولیه اقدام به آکسیژن‌دهی به چاه کردند و همزمان سه تن از آتش‌نشانیان به سرعت با استفاده از تجهیزات ویژه حوادث چاه به منظور نجات افراد به داخل چاه فرستاده شدند. او ادامه داد: سرنجام پس از تلاش بی‌وقفه، آتش‌نشانیان موفق شدند اجساد را از داخل چاه به بیرون منتقل کنند و با معاینات اولیه عوامل اورژانس حاضر در محل مشخص شد متأسفانه همه افراد در همان لحظات اولیه پس از حادثه جان باخته‌اند.

شریعتی علت بروز این حادثه را رعایت نکردن اصول ایمنی و نداشتن علم کافی از گازهای کشنده چاه فاضلاب و همچنین ورود اشخاص بدون هیچگونه اطلاعات و امکانات فنی در داخل چاه، فاضلاب و سپس گازگرفتگی اعلام کرد، او تأکید کرد: به هیچ عنوان و تحت هیچ شرایطی به داخل چاه یا موارادین قبیل خصوصاً چاه‌های فاضلاب به دلیل وجود گازهای سمی نشتی‌نده و انجام چنین مواردی راه‌بر افراد متخصص بسیارند.

شریعتی در حالی بر سپردن این کار به متخصصان و پرهیز از ورود به چاه‌ها تأکید می‌کند که جان‌سپردگان همه کارگران شرکت پیمانکار مسئول در انجسام این کار بودند و قاعدتاً باید متخصص می‌بودند.



هیچ گروه، نهاد و جریان فکری در کشور، تردیدی در نقش

ضدملی برخی از کانال‌های توطئه‌گر در حوادث اخیر ندارد.

کانال‌های ریز و درشتی که به خاطر مطامع شخصی، گروهی و ضدملی خود و حمایت‌شان، نفت به شعله‌های کوچک

تمهیدات رسانه‌ای برای عبور از بحران اخیر در گفت‌وگو با «کامبیز نوروزی»:

رسانه‌های رسمی کشور بازی را به تلگرام باخته‌اند

سعید برآیادی

روزنامه‌نگار

اعتراض مردم ریختند و شرایط راه‌گونه‌ای غلوآمیز نشان دادند تا کار به برخورد‌های خشنونت آمیز رسید و تظاهراتی

که می‌شد با شنیده شدن صدای مردم به عنوان نمادی از عقلانیت جمعی شناخته شود، راه دیگری در پیش بگیرد. مفسران از چند ماه پیش نگرانی‌های خود را درباره جدی شدن فعالیت‌های برخی کانال‌های تلگرامی خاص اعلام کرده بودند اما بر هیچ‌کسی پوشیده نبوده‌و نیست که ضعف

اعتماد عمومی به رسانه‌های رسمی، عامل اصلی میدان داری تلگرام‌ها و دیگر خبررسان‌های غیررسمی بوده‌است. مصاحبه پیش‌رو با کامبیز نوروزی، حقوق‌دان و آشنا به فضای

رسانه‌های کشور، چندساعتی پیش از انتشار خبر فیتلر شدن تلگرام و چند ساعتی پس از انتشار خبر فیلتر شدن کانال تلگرامی آمدنیوز انجام شد. با این همه این حقوق‌دان بدون اشاره و نام بردن از آنها، به آسیب‌شناسی حضور و بروز



عکس: جامعه فردا

در اتفاقات اخیر، بار اطلاع‌رسانی تا

چه حد بر دوش رسانه‌های رسمی و غیررسمی کشور بود و آیا می‌توان گفت که رسانه‌های رسمی توانسته‌اند، مسئولیت خود را که همان اطلاع‌رسانی بی‌طرفانه است به درستی انجام دهند؟

در وضعیت کنلی ایران، مسأ از دو مجرای کلی در جریان اخبار قرار می‌گیریم؛ یکی از این دو، رسانه‌های رسمی هستند، شامل رادیو،

تلویزیون، خبرگزاری‌ها و مطبوعات. این دسته از رسانه‌ها، حرفه‌ای بوده، با مفهومی آشنا هستند و می‌توانند اخبار را به شکل منظم، درست و در اختیار مخاطب قرار دهند. اما یک مجرای دیگر هم وجود دارد که شامل فضای مجازی و پیام‌رسان‌هاست، که در حال حاضر در ایران تلگرام

در ایران به شکل بسیار گسترده‌ای مورد استفاده مردم قرار می‌گیرد. اما رهاحاکي ست که بیش از

۲۵ میلیون نفر کاربر تلگرام در ایران وجود دارد. در جامعه ما به دلیل ضعف‌های متعدد و گسترده رسانه‌های رسمی، پیام‌رسان‌ها و خصوصاً تلگرام، به‌شدت کارکرد خبری و تحلیلی پیدا کرده‌اند

و در این زمینه، بسیار گسترده شده‌اند و حتی می‌توانم بگویم که در رقابت با فضای رسانه‌های رسمی کشور، تا به امروز، برنده شده‌اند. به این معنا که بخش بزرگی از نیازهای خبری و تحلیلی جامعه توسط کانال‌ها و گروه‌های موجود در

فعلی، افراد می‌توانند تحلیل‌های خود را ارائه دهند، منحصرد کردن ساختار تحلیلی صدا و سیما به چند سلیقه محدود، مشخص و شناخته شده، سیاست غلطی ست، چون نمی‌تواند قدرت انغابی در افراد تولید کند. در واقع صدا و سیما مشکل اصلی‌اش عدم توجه به قواعد حرفه‌ای است. من هم معتقدم که قطعاً فضای رسانه‌ای کشور به قدری قدرت دارد که بازی را از پیام‌رسان‌ها و فضای مجازی برده مشروط بر اینکه سیاست رسانه‌های کشور اصلاحات عمیق را بپذیرد و اجازه بدهد رسانه‌ها با رعایت قوانین و مصالح نظام در یک آزادی مسئولانه قانونی فعالیت حرفه‌ای خود را انجام دهد.

-اما مردم به همین اطلاعات و تفسیرها مراجعه بسیاری می‌کنند به طوری‌که شاهد افزایش دقیقه به دقیقه‌های بازدیدکنندگان پست‌های تلگرامی هستیم.

در واقع جریان اطلاعات در این‌جا از نظر خبری، سالم نیست. علاوه بر این میزان مسئولیت اخلاقی در پیام‌رسان‌ها کم است. اینجا مفهوم اخلاق را در مفهوم عمومی آن به‌کار می‌برم. معمولاً روزنامه‌نگاران حرفه‌ای، خبر دروغ به مردم نمی‌گویند، معمولاً روزنامه‌نگاران حرفه‌ای در نحوه انعکاس خبر، شرایط اجتماعی و مصطلحات عمومی را در نظر می‌گیرند، اصلاً یکی از قواعد اخلاق حرفه‌ای، مصلحت عمومی است. این درحالی است که در پیام‌رسان‌ها این اتفاق کمتری می‌افتد؛ گاه شاهد جعل خبر هستیم و گاه نادیده گرفتن مصلحت عمومی به دلایل شخصی. به همین دلیل اخباری که معمولاً از طریق پیام‌رسانی مثل تلگرام منتشر می‌شود را همواره باید با دیده تردید، نگاه کرد، مگر این که منبع خبری شناخته شده باشد. علاوه بر این باید خواننده خبر تلگرامی به این نکته دقت کند که خبر تاچه اندازه در ساخت اجتماعی-سیاسی ما خبر معقولی ست. خبر سقوط یک هواپیما بدون کشته شدن سرنشینانش، خبر نامعقولی ست که هر جایی منتشر می‌شود باید با دیده تردید به آن نگاه کرد. شاید حتی درست باشد اما مشخص آن با امور متعارف سازگار نیست. البته شاید این کار، کار همه مردم نباشد اما حداقل چیزی که می‌شود رعایت کرد، همان منبع خبر است و یکی هم توجه به میزان معقول بودن خبر. اما به هر حال باید با تانسلف بگویم که در چند سال اخیر، نبض خبر در ایران در اختیار تلگرام بوده و متأسفانه رسانه‌های رسمی ما، سیاست رسانه‌ای کشور در این رقابت، کاملاً بازی را واگذار کرده و باخته است.

-رسانه‌ها این باخت را بپذیرفته‌اند؟

برای پاسخ به این سوال باید رسانه‌ها را به همان دو قسمتی که در بالاگفتم تقسیم کرد. مطبوعات دست‌شان بسته است. در بسیاری اوقات ناگزیر

می‌شوند از اجرای سیاست‌هایی که بعضی نهادها به آنها دیکته می‌کنند، چندان امکان حرفه‌ای برایشان باقی نمانده است. روزنامه‌ها و خبرگزاری‌های ما با بحران‌های اقتصادی، مواجهه‌ای مکرر نیروهای انسانی و مشکلات دیگر

را دارند که در رقابت بسا فضاهای مجازی برنده شوند، مشروط بر آنکه سیاست‌های رسانه‌ای کشور اجازه بدهد که روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها در چارچوب قوانین کشور از پتانسیل خود و روزنامه‌نگاری کشور بهره‌بردار ی‌بهنه کنند.

-به نظر می‌رسد که در مواردی این خود روزنامه‌ها هستند که به دلایلی چراغ خاموش حرکت می‌کنند و سانسور در این رویکرد چندان نقشی ندارد. در مورد تلویزیون چطور؟

در مورد رسانه‌های دیگر باید بگویم که صدا و سیما مشکلات این‌چنینی ندارد. مشکل صدا و سیما، حرفه‌ای نبودن است. صدا و سیما در سیاست خبری‌اش، همچنان بر این تصور است که عدم انتشار خبر به مهر افکار عمومی کمک می‌کند. در صورتی که این تصور غلط است. می‌توانم بگویم که در حالی که پیام‌رسان‌ها اجازه می‌دهند مردم در کسری از ثانیه هر خبری را منتشر کنند، سیاست سکوت خبری سیاست شکست‌خورده‌ای است. در شرایطی که با همین امکانات و تکنولوژی‌های جامع‌تأمین می‌شود. اما از نسوی دیگر، یک نکته خیلی مهم و حتی مخاطره‌آمیز وجود دارد؛ جریان اطلاعات در پیام‌رسان‌ها -به‌خصوص در تلگرام- یک جریان حرفه‌ای نیست. به این معنا که آدم‌هایی که بار رسانه آشنا نیستند، مفهوم خبر را به شکل حرفه‌ای نمی‌دانند و... مطالب خود را در تلگرام بارگزار می‌کنند و در اختیار مخاطب قرار می‌دهند. همین امر باعث می‌شود اطلاعات و تفسیرهایی که منتشر می‌شود، در مواردی، دروغ، ناقص یا غلط باشد یا در مواردی حدی بزرگتر از اصل واقعیت باشد.

-اما مردم به همین اطلاعات و تفسیرها مراجعه بسیاری می‌کنند به طوری‌که شاهد افزایش دقیقه به دقیقه‌های بازدیدکنندگان پست‌های تلگرامی هستیم.

-این اتفاقات اخیر نشان داد که کانال‌های تلگرامی منتظر نمی‌مانند برای اجرای چنین پیش‌فرض‌هایی. آنها

این ما رسانه‌های رسمی هستیم که مجبوریم برای حفاظت از منافع ملی کشور رودرویی آنها بایستیم و عملاً چوب‌دو سر تلاش‌شویم. فکر می‌کنم می‌شود تمهیداتی برای مواقع خاص مثل تظاهرات روزهای اخیر در فضای

رسانه‌ای کشور در نظر گرفت؟

درست است. مشکل ما مشکلی کهنه و مزمن است. سیاست رسانه‌ای کشور که در بیست سال اخیر از سوی ساختارهای حکومتی پیش گرفته شده، اثرات عمیق خود را گذاشته و این مشکلی نیست که در کوتاه مدت قابل حل باشد و طبعاً زمان می‌برد. بنابراین الان که در کشاکش یک اتفاقی هستیم که در یکی دو روز اخیر رخ داده و با تظاهرات مردم مواجهیم، زمان کم است برای چنین اصلاحی. از نسوی دیگر فضای عمومی منتظر می‌ماند و کار خودش را می‌کند کما اینکه در طول همین یکی دو روز، اخبار دروغ و فیلم‌های دروغ کم منتشر شده‌است. فیلم‌هایی منتشر شده که مربوط به سال ۸۸ است، برخی مربوط به سال ۷۸ هستند در حالی که کانال

آنها را به‌عنوان اخبار درگیری‌های نهم دی‌ماه منتشر کرده‌اند. تلگرام یک ویژگی دارد که همه می‌توانند در آن مطلب بگذارند. بنابراین وقتی واقعه‌ای اتفاق می‌افتد ممکن است افرادی از این اتفاق، مطلب یا فیلم بگذارند. پس ده‌ها خبر یا روایت از یک واقعه خواهیم داشت. اثر روانشناختی چنین پدیده‌ای، اگراندیشمان شدن

آن پدیده‌ها است. می‌خواهم به این وضعیت نام وضعت اگراندیشمانی بدهم. از یک اتفاق وقتی که تعداد زیادی روایت مطرح می‌شود، در ذهن مخاطب آن اتفاق بزرگ می‌شود. از طرف دیگر، همه این اتفاق‌ها در محیطی رخ می‌دهد (مثلاً در کانال‌های تلگرامی) که احساس مسئولیت اخلاقی در آن پایین است. کارسبران حرفه‌ای نیستند و در نتیجه، فضای غیرقابل مهار تولید می‌شود که شاهدیم. بنابراین با در نظر گرفتن واقع دو روز اخیر کشور، می‌شود اقداماتی در تلویزیون و دیگر رسانه‌های رسمی کشور صورت بگیرد تا مقداری قدرت رقابت با فضای تلگرامی در میان حوادث اخیر نه‌تنها بد نیست بلکه به نفع کشور هم هست. خود دوربین خبرنگار حرفه‌ای تلویزیون می‌تواند به خیابان‌ها رفته و این امکان را به جامعه بدهد که جامعه و مردم بتوانند تصویر واقعی حوادث اخیر نه‌تنها بد نیست بلکه به نفع تلویزیون می‌تواند خیلی ساده و راحت از انحصار کسانی که چندان تحلیل‌هایشان با مقبولیت عمومی همراه نیست خالی شود و حداقل در این شرایط کسانی را بیآورند که هم در جامعه مقبولیت دارند و هم تحلیل‌هایشان خیرخواهانه و ملی ست. در بحران‌هایی شبیه به آنچه در ان

هستیم، حضور افراد و شخصیت‌های مورداعتماد جامعه در رسانه‌های رسمی، برای بازگرداندن آرامش به جامعه بسیار موثر است. -شاید افرادی که شما به آنها اشاره می‌کنید از این نوع درخواست، احساس استفاده ابزاری داشته و به حضور در رسانه‌ها تن ندهند. چطور می‌شود با این شک و تردید مواجه شد و اغنایی با آنها گفت‌وگو کرد.

متأسفانه سیاست رسانه‌ای کشور به گونه‌ای بوده که این قبیل افراد هیچ میدانی نداشته و تلویزیون هیچ میدانی برای آن‌ها در نظر نگرفته است. اکنون مسئله ما مسئله منافع ملی ست. جریان اخیر، جریان است که می‌تواند برای کشور مخاطره‌آمیز باشد و اگر درست دیده و تحلیل نشود، ابعادش چندان قابل پیش‌بینی نیست. همان‌طور که در مسائل کشور، مشارکت باعث افزایش توان ملی برای مواجهه با مسائل و مشکلات می‌شود در این موارد، باید مشارکت عمومی، محور اساسی حل مسائل باشد. اینجا مشارکت عمومی به این معناست که گروه‌ها و شخصیت‌های معتبر سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی که در جامعه مقبولیت دارند، در فضای رسانه‌ای و اطلاع‌رسانی کشور مشارکت داشته باشند. حالا اگر بعضی از جریان‌های سیاسی خودشان نمی‌آید از این افراد، نباید سلیقه خودشان را به مصالح ملی تحمیل کنند.

-می‌شود به چند نفر از این چهره‌ها و نام‌ها اشاره کنید و اسنم ببرید؟ آیا برخی از این افراد به‌خاطر مشکل ممنوع‌التصویری امکان حضور در تلویزیون را ندارند؟

نه بختی که اینجا مطرح شد، درخصوص این افراد نبوده است. به‌نظرم به‌جای اسم بردن از این افراد بهتر است، به این نکته اشاره کنم. واقعیت این است تلویزیون سال‌هاست با یکی دو جریان خاص و مشخص سیاسی همکاری می‌کند. بنابراین گروهی بزرگ از فعالان سیاسی و اجتماعی که در کشور معتبر هستند و در درستی تلویزیون تردیدی نیست، حداقل از طریق تلویزیون می‌توانند با مردم ارتباط داشته باشند و همین نوع نیز پذیرفته‌تر است. بدون اینکه بخوام از آگاهان، کسانی هستند که با نگاه و دیدگاه‌شان می‌توانند، خیلی از مسائل را برای جامعه و افکار عمومی روشن کنند در حالی که حرف‌هایشان بین مردم نیز پذیرفته‌تر است. بدون اینکه بخوام از این گروه نامی ببرم باید بگویم متأسفانه خیلی از آنها، چه به خاطر مسائل خودشان و چه به

پیام‌رسان‌ها در فضای رسانه‌ای کشور پرداخت. همین بهانه‌ای شد برای رفتن به سراغ حوادث اخیر و جای خالی رسانه‌ها در اجرای مسئولیت اطلاع‌رسانی‌شان و بیان برخی تمهیدات برای عبور آبرومندانه از این بحران. نوروزی معتقد است این راه از معبر تنگ رسانه‌های رسمی و داخلی کشور می‌گذرد و شاید اگر دیر بنیچینم زمان مواجهه درست مردم با این واقعه و حواشی آن را از دست بدهیم.



خاطر نوع دیدگاه‌شان یا به خاطر سیاست‌های تلویزیون، چندان صدایشان در جامعه پژواک ندارد. در همین واقعه اخیر، تلویزیون می‌تواند تمهیداتی بندیشد که افرادی که می‌توانند دلسوزانه و متعهدانه تحلیلی از این فضا داشته باشند، آن را از طریق رسانه‌های رسمی کشور در اختیار مردم قرار دهند. چسرا؟ چون اکنون در شرایط خاصی هستیم. ماجرای که در این دو روز اتفاق افتاده است، از خیلی جهات مورد تردید است. با افراد مختلف که صحبت کرده‌ام، خصوصاً در بین شخصیت‌های ملی و در بین فعالان سیاسی، این حرکات مقبولیتی ندارد. اعتراض مردم باید شنیده شود. اعتراض‌ها به‌هر حال دلایلی دارد، دلایل باید مکشوف شود، اما کشنده موضوع به یک عرصه غیرقابل مهار و ناشناخته درگیری‌های خیابانی، ما را با مشکلات سختی مواجه می‌کند.

-رسانه در چنین شرایطی چه باید بکند؟ در این قبیل موارد، مشارکت عمومی برای حل مسئله، ضرورت درجه اول است. این را هم بگویم که مشارکت عمومی در کف خیابان اتفاق نمی‌افتد که مثلاً ما جمعیتی بیابوریم که در برابر این جمعیت بایستد، این همان اردو کسبی خیابانی است. هیچ مسئله‌ای بین گروه‌های سیاسی مختلف در کف خیابان حل نمی‌شود، بلکه باید با مشارکت عمومی در سطح تنه‌یکان و فعالان سیاسی کشور به سمت حل مسئله برویم.

-برای بسالارفتن مشارکت عمومی رسانه‌ها چه باید بکنند؟

در دو حوزه رسانه‌ها می‌توانند به افزایش این مشارکت عمومی کمک کنند. انتقال اخبار از مسیر حرفه‌ای آن و رمزگشایی تحلیلی وقایع با کمک از گروه‌ها و طیف‌های فکری و سیاسی مختلف کشور.

انتقال اخبار از مسیر حرفه‌ای آن، به این معناست که تلویزیون و مطبوعات، آنچه را گذشته، نشان دهند. وقتی یک خبر از طریق تلویزیون منتشر شود، جزئیات واقعی منتشر می‌شود و ابعاد واقعی ماجرا دیگر این است که رمزگشایی تحلیلی از بسیار مهمی است. درحال حاضر مردم به‌احتمال زیاد، ابعدای بزرگتر از واقعیت مسائل جدید کشور دارند ز می‌بینند، از چه طریقی؟ از طریق تلگرام. سطح دیگر این است که رمزگشایی تحلیلی از وقایع اخیر باید از طریق رسانه‌های رسمی کشور انجام شود تا ضمن آگاه‌سازی مردم به تولید یک فضای عقلانی برای بررسی مسائل به‌وجود آمده نزدیک شوند. در این جاست که معتقدم این مشارکت عمومی از طریق حضور جریان‌های مختلف فکری و سیاسی کشور قابل تحقق است.

ارتباطات

بدرقه تلگرام در یکشنبه شب

جامعه فردا؛ فیلترینگ و محدودسازی شبکه‌های اجتماعی از جمله تلگرام و اینستاگرام، شاید کارترین واکنش دولت در برابر تظاهرات خیابانی طی یکی دو روز گذشته بوده است.

ابتدا خبرها از دستور رئیس جمهوری حکایت داشت اما اندکی بعد خبر تکذیب این دستور روی خروجی برخی رسانه‌ها قرار گرفت تا این که غروب روز یکشنبه، تلگرام و اینستاگرام از سوی اپراتورهای تلفن همراه فیلتر شد و دسترسی به آنها جز از طریق فیلتر شکن مقدور نبود. انگیزه نخست فیلتر تلگرام، محدودسازی فعالیت کانال‌های تلگرامی خاصی بود که در چند روز گذشته دست به کار تشویق مردم برای خشنونت شده بودند و سررشته همه آنها به آمدنیوز پیوند می‌خورد؛ کانالی که در خارج از کشور و توسط افرادی با هویت نامشخص و با انگیزه‌های مشکوک و براندازانه، مردم را به شورش بیشتر و تحركات خشن دعوت می‌کرد. درخواست محدودسازی این کانال روز شنبه از سوی وزیر جوان ارتباطات در توییت مطرح شد. محمد جواد آذری جهرمی وزیر ارتباطات در توییتی خطاب به مدیرعامل تلگرام خواستار توقف فعالیت این کانال شد. او نوشت: یک کانال تلگرامی عملاً مردم را دعوت به ایجاد ناامنی و استفاده از بوب دستی و اسلحه می‌کند. زمان توقف خشنونت پراکنی نیست؟ پاول دوروف، مدیرعامل تلگرام پس از تعلیق «آمدنیوز» در توضیحی نوشت: «کانال تلگرامی آمدنیوز از دنبال‌کنندگانش تقاضای استفاده از مپ‌های دستی (کوکتل مولوتوف) علیه پلیس کرده بود که به‌دلیل نقض سیاست «ممنوعیت درخواست برای خشنونت» ما تعلیق شد.

بعد از تعطیلی این کانال، در نیمه‌های شب شنبه، فعالیت این جریان در کانال دیگری و به اسم دیگری شروع شد.

به نظر می‌رسد درخواست دولت ایران برای محدودسازی این کانال ادامه داشته. اما پاول دورف،

مدیر تلگرام در تازه‌ترین توییت خود نوشته است: این را یک پیروزی بزرگ برای تلگرام می‌دانم. سازندگان آمدنیوز به ما اطلاع دادند مدیری را که قواعد «منع خشنونت» ما را نقض کرده، اخراج کرده‌اند و قول دادند که در آینده به شرایط و مقررات ما پایبند خواهند بود. این تمام چیزی است که ما می‌خواستیم از آنها بشنوم!

پاول دورف مدیر تلگرام همچنین در توییتی دیگر نوشت: بعد از امتناع ما بستن کانال «صدای مردم» و کانال‌های دیگری که به صورت غیرمسئله‌انه اعتراض می‌کنند، مقامات مسئول در ایران مسئول قطع دسترسی اکثر مردم به تلگرام هستند. مقامات جمهوری اسلامی پس از آنکه درخواست فیلتر کانال تلگرامی «صدای مردم» را نپذیرفتیم، این نرم‌افزار از تیاطی را در ایران مسدود کردند. هم‌زمان با مسدود شدن تلگرام، خبرها از بسته شدن اینستاگرام هم حکایت دارند. پایگاه خبری شفقنا که تحلیل روزانه و البته محتوایی از فعالیت رسانه‌ای در ایران دارد، در کانال اطلاع‌رسانی خود نوشت: به نظر می‌رسد خداحافظی با تلگرام جدی است.

فیلتر کردن تلگرام و اینستاگرام در حالی رخ داده که باید هم‌زمان از رسانه‌های رسمی در کاستن از بار شیاعت پخش شده در شهرها متوقع بود. اکنون که مردم مایل حفظ آرامش و امنیت شهرها و شایعات‌هایشان حاضر شده‌اند یکی از پرکاربردترین نرم‌افزارهای احوال‌پرسی خانوادگی را از دست بدهند، به نظر می‌رسد زمان آن رسیده که رسانه‌های رسمی و داخلی به جایگاهی که در رقابت با فضای مجازی از دست داده بودند، بازگردند و اعتبار گذشته را با بیان واقعیت‌ها و حقایق این روزهای خیابان‌های کشور، بازیابی کنند. در این میان نگرانی‌هایی هم البته وجود دارد که یکی از آنها، مختل شدن برخی از کسب و کارهایی ست که اساس شان بر پایه چنین برخی افزایش‌ها بوده است.